



یادی از خیر و واقف محله انصار

که مسجد امام حسن مجتبی (ع) و گاراژ معروف شیرازی را بنا کرد

«بابا» خیر همه رامی خواست

۵۰۴

رنگ عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا



با خاطرات کودکی تا بزرگ سالی
یکی از ساکنان محله شهید بسکابادی

آماده برای کار در کنار آقای آماده

۶



همسایه به همسایه، دیدار بیست و یکم

۳ کوچه شهید آقامصطفی خمینی ۴
دست به خیری آقای راننده

فعال اجتماعی محله امیرالمؤمنین (ع) از خاطرات
نوجوانی اش در زمین های کشاورزی انتهای گلشهر می گوید
۷ جای قلعه ها سبزی کاشتند

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.



شما چه خبر

● جنگ ورزشی بانوان

تعدادی از بانوان فعال محله شهید آوینی، برنامه‌ای ورزشی و آموزشی برای زنان خانه دار محله تدارک دیدند. در این برنامه که به میزبانی فرهنگ سرای بهرام برگزار شد، هشتاد مادر و دختر ساکن محله شهید آوینی حضور داشتند.

طی برنامه، مربیان محلی، نکاتی آموزشی به منظور افزایش فعالیت بدنی بانوان خانه دار مطرح کردند. سپس شرکت کنندگان در مسابقات طناب زنی، حلقه کمر و پرش مهارت و آمادگی جسمانی، خود را محک زدند. در پایان نیز جوایزی به بهترین ورزشکاران تقدیم شد.



● دختران مهرآباد در «حوالی بهشت»

عطای هفته گذشته ویژه برنامه «حوالی بهشت» با حضور سیصد دختر دانش آموز محله در مهدیه مهرآباد برگزار شد و مهمانان نه ساله برنامه، آغاز دوران تکلیفشان را دورهم جشن گرفتند.

برنامه‌های شاد و مفرح مثل جشن، مسابقه و عروسک گردانی، لحظات خاطره انگیزی برای این کودکان ساخت و در آخر برنامه نیز جوایزی اهدا و نماز جماعت برگزار شد.

● بازارچه پررونق دخترانه

بازارچه دانش آموزی دبیرستان فرزنانگان در محله رضائیه با استقبال خوب مهمانان روبه‌رو شد. در این برنامه که چند روز پیش برگزار شد، اکثریت دانش آموزان این مدرسه مشارکت داشتند و به صورت انفرادی و گروهی دست ساخته‌ها و محصولاتشان را عرضه کردند. محصولاتی مانند نقاشی روی بوم، کتاب، سرامیک و سفال، سوخت‌نگار، قلم‌زنی، چوب، غذایی در این بازارچه ارائه شد.

حضور خانواده‌های دانش آموزان، تعدادی از مسئولان آموزش و پرورش و شهرداری و همچنین مسئولان و دانش آموزان مدرسه هم‌جوار یعنی ام‌ابیها^(س) برای بازدید از این نمایشگاه، منجر به رونق بازارچه شد.



● احسان به همسایه نیازمند

مرکز نیکوکاری و کارآفرینی شهدای محله مهرآباد واقع در مسجد المهدی^(ع) با کمک خیران اقدام به تهیه و توزیع ۱۵ بسته معیشتی بین خانواده‌های نیازمند و گرفتار این محله کرد. هر کدام از این بسته‌ها ارزشی معادل ۱۵ میلیون ریال داشت. همچنین با کمک خیران یک رأس گوسفند قربانی و گوشت آن بین چهل خانواده نیازمند محله توزیع شد. خانه برکت و احسان محله مهرآباد نیز در این برنامه مشارکت داشت.



آلودگی زیست محیطی و شهری ممنوع

در راستای تشدید برخورد با فعالیت واحدهای صنعتی متخلف، غیرمجاز و آلاینده که مخل آسایش شهروندان هستند و آلودگی‌های زیست محیطی و شهری به همراه دارند، پنج تازانبارهای غیرمجاز ضایعات در منطقه پلمپ شد.

پلمپ این انبارهای غیرمجاز ضایعات با دستور مقام قضایی و رأی «کمیسیون بند ۲۰ و سامان دهی مشاغل مزاحم و آلاینده» و با هماهنگی و نظارت اداره حراست، در محدوده محله مهدی آباد و محله شهید آوینی واقع در شهید آوینی ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶ و ۵۵ انجام گرفت.



شهر خبر



رئیس مرکز بهداشت شماره ۲ مشهد
از اجرای طرح واکسیناسیون فلج
اطفال در گلشهر و تیمور خبر داد

خانه به خانه برای سلامت کودکان

رئیس مرکز بهداشت شماره ۲ مشهد از آغاز طرح ملی واکسیناسیون فلج اطفال در حوزه تحت پوشش این مرکز خبر داد. عباسعلی اسماعیلی گفت: با هدف حفظ و ارتقای سلامت کودکان و جلوگیری از بازگشت بیماری فلج اطفال به کشور، طرح ملی واکسیناسیون فلج اطفال به صورت خانه به خانه در مناطق شهری و روستایی تحت پوشش مرکز بهداشت شماره ۲ مشهد اجرا خواهد شد.

وی افزود: این طرح در دو مرحله در ماه‌های فروردین و اردیبهشت و با حضور فعال تیم‌های عملیاتی بهداشتی اجرا می‌شود. در این دو مرحله ۴۱ هزار و ۵۳۲ خانوار در مناطق هدف و ۱۴ هزار و ۹۲۵ کودک کمتر از پنج سال از خدمات واکسیناسیون رایگان بهره‌مند می‌شوند.

اسماعیلی به محدوده جغرافیایی اجرای طرح اشاره کرد و گفت: در محدوده‌های مهاجرپذیر شهری مانند گلشهر و تیمور و همچنین در روستاهای تحت پوشش، تیم‌های سیار مرکز بهداشت شماره ۲ مشهد فعال هستند و با حضور در منزل خانوارها، واکسیناسیون کودکان را انجام خواهند داد.

رئیس مرکز بهداشت شماره ۲ مشهد افزود: واکسیناسیون فلج اطفال یک اقدام پیشگیرانه بسیار مؤثر است که در سلامت آینده فرزندان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. امیدواریم با هم‌تلاش جمعی و تلاش کارکنان نظام سلامت، بتوانیم در این برنامه ملی، بار دیگر این بیماری را صد درصد ریشه‌کن کنیم.

لکه‌گیری آسفالت به درخواست مردم

طبق اعلام شهرداری منطقه ۵، پیرو درخواست‌های مردمی در تماس با مرکز ۱۳۷ شهرداری و با هدف رضایت شهروندان و بهبود کیفیت تردد و عبور مرور وسایل نقلیه، عملیات لکه‌گیری آسفالت به متراژ پانصد مترمربع اجرا شد.

این پروژه در محدوده خیابان‌های شهید محور، شهید رانی، شهید عزیزی، مشعل، کرامت ۱۲ و خیابان شهید آوینی ۴۵ اجرا شده است.

اعتبار اجرای پروژه لکه‌گیری آسفالت در حدود ۵ میلیارد تومان بود و طی هفته گذشته اجرایی شد.

● زوج مسجیدی و پای کار

حسن رضایی در ابتدا ساکن محمدآباد بود و جزو اولین کسانی است که به محله آقامصطفی خمینی نقل مکان کردند. از همان روزهای اول، پایش به مسجد باز شد و در فعالیت های اجتماعی محله نقش فعالی داشت. همراه با همسرش، زهرا زهری، کانون خیریه صاحب الزمان (عج) را در مسجد ابوالفضل راه اندازی کردند؛ کانونی که با کمک اهالی، کارهای خیر بسیاری انجام داده است. حسین آقای موسوی بعد از معرفی این هم محله ای می گوید: بسیاری از قدم های خیر محله به همت این زوج و حمایت اهالی برداشته شده است؛ از تهیه جهیزیه برای نو عروس ها گرفته تا توزیع سبدهای معیشتی اهالی. این دو نفر را به عنوان افراد معتمد محله می شناسند. هر کس قصد انجام کار خیری داشته باشد، کمک هایش را به آن ها می سپارد، مطمئن از اینکه به دست نیازمندان واقعی می رسد. اهالی، حسن رضایی را آچار فرانسه مسجد ابوالفضل می دانند. هر چیزی که در مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، او بدون چشم داشت دست به کار می شود و درستش می کند.

● فرصت های بعد از

بازنشستگی

محمد حسن خیابانی از قدیمی های محله نیست، اما خیلی زود با اهالی صمیمی شده است. سال ها راننده ماشین سنگین بود و بیشتر عمرش را در جاده ها گذراند. اما بعد از بازنشستگی و راه اندازی یک بنگاه معاملات املاک، فرصت بیشتری پیدا کرد تا با محله و همسایه ها اخت شود. با این حال، در همه این سال ها همیشه سعی کرده است در امور محله مشارکت داشته باشد. چند سال پیش، در زمین خالی کنار مسجد خانه ای ساخت؛ خانه ای که حالا یکی از طبقاتش به «خانه عالم» معروف است. خودش درباره این کار می گوید: زمین کنار مسجد همیشه پراز زباله بود؛ چهره محله را زشت کرده و باعث دردسر شده بود. تصمیم گرفتم بایک تیر و نشان بزنم؛ هم حالا از آن زمین خالی خبری نیست، هم امام جماعت مسجد ابوالفضل هادری کنار مسجد زندگی می کند. اهالی، خیابانی را به دست و دل بازی اش هم می شناسند و در بسیاری از مراسم مذهبی، دیگ شله نذری بار می گذارد و بین همسایه ها توزیع می کند.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و یکم، کوچه آقامصطفی خمینی ۴

دست به خیری آقای راننده

نیکو عقیده محله آقامصطفی خمینی قدمتش به اوایل انقلاب اسلامی برمی گردد؛ زمانی که بسیاری از اهالی محمدآباد به این محدوده کوچ کردند و هسته اولیه محله را شکل دادند. یکی از کوچه های این محله، معبر آقامصطفی خمینی ۴ است؛ کوچه ای که بیشتر ساکنانش از قدیمی های محله اند و یکدیگر را خوب می شناسند. فضای صمیمی و همدلانه آن باعث شده است گذر زمان نتواند پیوند بین همسایه ها را کم رنگ کند. در این گزارش، پای صحبت سه نفر از قدیمی ترین اهالی کوچه می نشینیم: سید حسین موسوی، یکی از ساکنان با سابقه، ما را با دو همسایه دیگر آشنای کند تا از حال و هوای همسایگی در کوچه آقامصطفی خمینی ۴ بر ایمان بگویند.

● ماهمه یک خانواده ایم

سید حسین موسوی که پنج فرزندش را به خانه بخت فرستاده است، بیشتر وقتش را صرف امور محله می کند. او از ابتدای تأسیس شورای اجتماعی محله در آن عضو بوده و همچنین سال هادر هیئت امنای مسجد ابوالفضل^(ع) فعالیت کرده است. اقداماتش در این سال ها بسیار زیاد بوده است. از تشکیل بسیج برادران محله گرفته تا راه اندازی کلاس های قرآن برای نوجوانان در مسجد. اهالی او را به خوش مشربی می شناسند و سال هاست که به عنوان بزرگ محله، نقش مهمی در رفع مشکلات اهالی دارد. خودش دلیل این همه فعالیت را ساده توضیح می دهد: ماهمه اینجایک خانواده ایم. از این سال ها خاطرات بسیاری از میانجیگری بین اهالی در ذهنش مانده که ختم به خیر شده است. بسیاری از جوانان محله، از دو اوجشان رامدیون او هستند، زیرا ایا را بهانی خیر شده است. او در ادامه گفت و گو، حسین رضایی را معرفی می کند. رضایی همراه همسرش فعالیت های اجتماعی انجام می دهد و حالا کلید دار مسجد المهدی^(عج) هستند.



فرش سبزه باری در معابر

در آستانه فصل رویش و بهار طبیعت و در راستای زیباسازی و طراوت بخشی به فضاهای شهری، عملیات گسترده نشاکاری چمن در نقاط پرت تردد منطقه ۶ مشهد به اجرا درآمد. در این طرح، کاشت بیش از هزار متر مربع چمن در میدان هفده شهریور، آیلند میانی بولوار مصلی و آیلند میانی بولوار شهید رستمی صورت گرفت.

تغییرات بهاری در محمدآباد

هم زمان با شروع فصل بهار و در چارچوب پروژه های گسترده شهرداری برای بهبود زیرساخت های شهری، عملیات روکش آسفالت در معابر فرعی خیابان محمدآباد آغاز شد. در این پروژه بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ متر مربع از معابر این خیابان با استفاده از هشتصد تن آسفالت تازه و مقاوم، بازسازی و روکش شده است.

محفل قرآنی برای شهدای کلانتری

هفته گذشته، محفل انس با قرآن کریم در مسجد الرضا^(ع) شهرک شهید باهنر برگزار شد. در این برنامه، قاریان بین المللی حمید شاکرنژاد و محمد رضا قاسم زاده حضور داشتند و آیاتی از کلام... مجید راتلاوت کردند. همچنین بخشی از این برنامه به مراسم گرامیداشت شهدای حادثه کلانتری شهید رجایی اختصاص داشت.

اختتامیه دومین دوره مسابقات فوتسال شهدای ماه رمضان
حرم مطهر رضوی برگزار شد

قدردانی از پا به توپ های برتر

عطایی پنجمین شب گذشته، مراسم اختتامیه جام فوتسال شهدای ماه رمضان حرم مطهر رضوی (شهیدان محمد اصلانی و محمد صادق دارائی) با حضور بازیکنان و کادرفنی تیم های شرکت کننده و جمعی از مسئولان در مسجد امام رضا^(ع) محله انصار برگزار شد.

در این برنامه از تیم های برتر و بازیکنان شاخص مسابقات قدردانی شد. جوایز این مسابقات توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۶ و اعضای هیئت امام حسن مجتبی^(ع) تهیه شده بود که به تیم های پدیده روستای شهرآباد، هیئت جوانان بنی هاشم^(ع) محله مهدی آباد و تیم هیئت امام حسن مجتبی^(ع) محله اروند به عنوان تیم های اول تا سوم تقدیم شد.



شهر خبر



یادی از خیر و واقف محله انصار که مسجد امام

«با» خیر همه را

تاجی ادر زمانی که هنوز محدوده‌ای به نام «ساختمان» یا محله‌ای به نام انصار وجود نداشت، اینجا زمین بایری بود در مسیر جاده سرخس و راه اصلی ابریشم که به دلیل تلاقی جوی‌های آب به منطقه «شترگلو» معروف بود. در اولین سال دهه ۵۰، یک تعمیرکار و صافکار ماشین‌های سنگین که در کار املاک و ساخت و ساز هم فعالیت می‌کرد، به فکر ساخت گاراژی افتاد برای تعمیرات ماشین‌های سنگینی که در این جاده رفت و آمد می‌کردند. اما قبل از احداث گاراژ شروع به ساخت بنای دیگری کرد که بعد ها شد با ارزش ترین



داستان جلد



ایستگاه مسجد شیرازی!

«کاروبار کلی ساخت مسجد امام حسن مجتبی (ع) که تمام شده، حاجی خودش بامو توریق یک لامپ کشیده تا سر جاده و بعد از آن، همه اتوبوس‌ها و ماشین‌های باری این مسیر، اینجا توقف کرده اند و رفته رفته اینجا معروف شده است به «ایستگاه مسجد». بعد هم که گاراژ راه افتاد، راننده‌هایی که برای تعمیرات و صافکاری مجبور بودند چند روزی ماشین را در گاراژ بخواهند، خیالشان راحت بود که مسجد سرپناه آن‌هاست. قهوه خانه‌ای هم کنار گاراژ راه افتاد و بقالی و دیگر راننده‌ها غصه در راه ماندن نداشتند. روزگاری بود که هرچه کامیون و و ۱۰۰ تن و تریلی و ماشین سنگین دیزلی از این راه می‌گذشت، امکان نداشت که در اینجا توقف نکنند. این‌ها صحبت‌های علی احمدی شیرازی، پسر ارشد حاج حسن است؛ پسری که حالا جانشین پدر شده و رتق و فتق امور گاراژ و مسجد بیشتر بر عهده اوست. به گفته علی شیرازی، زمانی که این گاراژ رونق گرفت، تعمیرکارهای متعددی در آن مشغول به کار شدند که بیشترشان مجبور بودند از مرکز شهر به اینجا رفت و آمد کنند. از طرفی به دلیل توقف شبانه روزی ماشین‌های گذری، مغازه‌های دیگری هم اطراف گاراژ ساخته شد. حاجی که خودش در کار ساخت و ساز هم بود، به ساخت خانه در زمین‌های اطراف محله پرداخت و به مرور و با ورود به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و با گسترش شهر به این سمت، محله‌های مسکونی هم رشد کردند.

خدا بیامری برای بابای محل

محسن احمدی شیرازی، دیگر پسر حاج حسن، درباره نحوه تعامل پدرش با اهالی محل و با مغازه‌داران گاراژ می‌گوید: سال‌ها از ساخت مغازه‌های این گاراژ و مناطق مسکونی این دور و اطراف می‌گذرد. اما هنوز و حتی در این چند سال بعد از فوت پدر همچنان کسانی می‌آیند و یادیدن عکس پدر یک خدا بیامری از ته دل برایش می‌فرستند و عایش می‌کنند که به لطف و همت او خانه دار یا مغازه دار شدند. پدرم تنها به فکر فروش و سود خودش نبود. کسانی بودند که پولشان شاید کمتر از نصف مغازه یا خانه بود. اما با همان پول، پدر مغازه را در اختیارشان می‌گذاشت یا خانه را به نامشان می‌کرد و می‌گفت بروند و مابقی را کم کم بیاورند تا حسابشان صاف شود. حالا همان افراد معتقدند که اگر حاجی نبود، آن‌ها هم معلوم نبود الان کجا بودند.

پسرهای اخلاق خوش و مردم داری پدر خاطرات بسیار دارند. امام مهم ترین صحبتشان این است که اهالی محل هر مشکلی که داشتند، تا حاج حسن رامی دیدند، با او مطرح می‌کردند و او هم هر کمکی از دستش برمی‌آمد، دریغ نمی‌کرد. محسن آقامی گوید: چه مغازه دارها و چه مردم کوچه و خیابان صدایش می‌کردند «بابا، خیر همه را می‌خواست و حواسش به همه بود. شوخ طبع و همدل بود و با خیرخواهی با شرایط دیگران کنار می‌آمد. بزرگ گاراژ شیرازی در سال‌های آخر عمرش و پس از آنکه سخته او را از کار انداخته بود، باز هم دل از مسجد و گاراژ و محله نکند. گاهی با همه سختی‌ها با پسرهای اینجایی شد و سوسری زد. همه آن‌ها که روزگاری پشتشان به این مرد گرم بود، حالا کم فروغ شدن او را می‌دیدند و حس می‌کردند که این ضعف و بیماری دارد بابایشان را به تدریج از آن‌ها می‌گیرد.

نذری به پاس زیارت

مرحوم شیرازی نذری داشت که هر سال در روز شهادت امام رضا (ع) ادایش می‌کرد. پسرهای از پیشینه نذری و چرایی و دلایلش اطلاعی نداشتند. نمی‌دانستند که پدر چقدر در همان سالی که تصمیم به ساخت مسجد گرفت، مصمم شد که هر سال در دهه آخر صفر، دیگ‌های پخت شله را هم بار بگذارد. دو سال نذر را در همان محله سکونت خودشان در خیابان هفده شهریور داد و از سال ۱۳۵۳ تا همین حالا شعله این نذر خاموش نشده است و هر سال شله معروف حاجی شیرازی در همین مسجد پخته می‌شود و می‌رود سر سفره اهالی این محل.

سید محمد، از قدیمی ترین افراد شاغل در این گاراژ و دوستان قدیمی حاجی شیرازی، درباره نذری حاج حسن معتقد است که این شله نذر زیارت‌های او بوده است. حاج حسن بیش از هفت بار حج تمتع را در کارنامه مناسک دینی خود داشت و جالب است که اولین سفر را در همان اوایل دهه ۵۰ و باره انداختن عده‌ای و تشکیل یک کاروان کوچک آن‌ها با پای پیاده انجام داد و پس از آن هر سال یاد سفر حج بود یا در سفر کربلا.



مسجد، پناهگاهی برای گمنامان

مسجد امام حسن مجتبی^(ع) اگرچه دیگر مسجدی بین راهی نیست، همچنان رونق گذشته‌ها را دارد. حالا به شکلی دیگر مأمن و پناه است و به شکل دیگری به کار مردم می‌آید. در حال حاضر سوای اینکه نماز جماعت ظهر و شب در این مسجد برقرار است و در روزهای ماه مبارک با افطاری ساده‌ای از نمازگزاران پذیرایی می‌شود، یک کارایی خاص و ویژه یافته است. از قرار معلوم بیش از پانزده سال است که این مکان مقدس، پاتوق ثابت اهالی جامعه الکلی‌های ترک‌کرده گمنام است. افرادی که از دل یک سیاهی عمیق که روزگاری زندگی‌شان را فرا گرفته بود، نور را پیدا کردند و حالا ساکن خانه نورانی خدا شده‌اند. کسانی که با همت و تلاش و توکل، توانستند سایه شوم اعتیاد را از سر خود دور کنند و حالا بابتی خالص و درونی پاک در این مسجد دور هم جمع می‌شوند و کلاس‌های آموزشی و انگیزشی خود را در اینجا برگزار می‌کنند تا به یمن پاک‌خانه خدا، در راهی که خدا پیش پایشان گذاشته است، ثابت قدم باشند. کلاس خانم‌ها در روزهای زوج برگزار می‌شود و آقایان نیز هر شب به مدت دو ساعت پای درس‌های این کلاس‌ها می‌نشینند.

یکی از این گمنامان به حال و هوای این مسجد اشاره می‌کند و می‌گوید: اینجا مسجدی بی‌زرق و برق است که خیلی آرامش دارد. ما اینجا را خانه خودمان می‌دانیم. اینجا قلبمان آرام می‌شود و هرکسی که در این مسیر با ما همراه می‌شود، از بودن در این مکان همین حس را دریافت می‌کند.

نذر ماندگار درخت

سید محمد حسینی متولد ۱۳۳۹ در نیشابور است. از دوازده سالگی به مشهد آمد و تا پانزده سالگی در محله نخریسی در صافکاری اتوبوس و مینی‌بوس، شاگردی کرد. در همان دوران بود که پس از آشنایی با حاج حسن، یکی از مغازه‌های گاراژ شیرازی را اجاره کرد و کاروبار خودش را راه انداخت.

او درباره خصوصیات مرحوم می‌گوید: حاج حسن اینجا ریاست نمی‌کرد؛ هرکاری که از دست خودش برمی‌آمد، انجام می‌داد. در مسیر جوی آبی که از اینجا رد می‌شد، با دست‌های خودش صدها درخت کاشت و از آن‌ها مراقبت کرد. درخت‌های توت جلوی این گاراژ که الان تنومند شده‌اند، نهال‌های نحیفی بودند که خودش مواظبتشان بود و آبشان می‌داد. آن‌ها حالا برای استفاده مردم و رهگذرها مانده‌اند. با اینکه کسی نمی‌گوید این درخت را چه کسی کاشت، خیرش حالا می‌رسد به حاج حسن. وقتی دیوارها و اسکلت مسجد رفت بالا من نبودم، اما سنگ‌های کمر دیوار داخلی مسجد را که می‌زدند، هم من بودم و هم خودش که می‌دیدم پایه پای کارگر بٹاها کار می‌کند.

حسن مجتبی(ع) و گاراژ معروف شیرازی را بنا کرد

با

می خواست

دارایی دنیوی و اخروی او و حالا هم به ملجأ و مأمن و پناهی برای این محله و اهالی‌اش تبدیل شده است. از اولین آجرهای دیوار «مسجد امام حسن مجتبی^(ع)» تا آخرین فرش‌هایی که برای نمازگزاران پهن شد، همه به همت فردی انجام شد که اهالی محل «بابا» صدایش می‌کردند. این روایت، برگه‌ای از زندگی خبرنگار حاج حسن احمدی شیرازی، بزرگ محله انصار است که حدود سه سال می‌شود رخت از این دنیای فانی بسته، اما سنگ بنای امور خیر و یاد نیکش همچنان باقی است.

وصیت نیک حاج حسن

پسر ارشد حاج حسن، اصلی‌ترین توصیه پدرش به سیزده فرزند خود و به ویژه پسرهارا احترام به بزرگ‌تر بیان می‌کند. بعد از آن هم تأکید بر تعامل و اتحاد و در نهایت هم خواسته اصلی از بچه‌ها اینکه: «دیگ نذری حضرت رضا^(ع) را خالی نگذارید». پسران شیرازی می‌گویند: دست خودمان نیست. کمی مانده به موعد ادای نذر بابا، شور و شوقی در خودمان حس می‌کنیم که توصیف‌شدنی نیست. ما از خودمان مطمئنیم که ان شاء... تا زنده هستیم، چراغ این مسجد روشن است و اجاق شله‌پزان نذری هم خاموش نمی‌شود. بماند که ماهم از همین حالا درباره این مجلس و این مسجد به فرزندانمان سفارش کرده و گفته‌ایم که هرطوری هست، چراغش را روشن نگه دارند.

کارگردن و دست‌پدر

دورترین خاطره پسرهارا گاراژ مربوط به حدود ده سالگی‌شان است. زمانی که دیگر کم‌کم کودکی را پشت سر گذاشته و اجازه پیدا کرده‌اند همراه پدر به خارج شهر و محل کارش بیایند. پس از آن هم در تعطیلاتی‌های تابستان پسرهارا در همین گاراژ کنار دست استادکارهای تعمیر ماشین‌سنگین، شاگردی کردند و کار یاد گرفتند و خودشان رفته رفته استاد شدند. شیرین‌ترین خاطرات محسن شیرازی از کودکی و نوجوانی‌اش مربوط به زمان‌هایی است که پدرش مسئولیتی از کارهای گاراژ و مسجد را به او می‌سپرد، به خصوص در روزی که دیگ‌های نذری را بار گذاشتند و او مسئول آتش‌اجاق‌ها بود.

میراث ماندگار شیرازی

علی و محسن شیرازی که حالا وارثان پدر در امور مسجد و مسئول ادای نذر او هستند، فرزندان خودشان را هم پای کار آورده‌اند و معتقدند برای اینکه این قبیل کارها به درستی به دست نسل بعد برسد و آن‌ها هم چراغ چنین مجالسی را روشن نگه دارند، از همین حالا باید به آن‌ها مسئولیت داده شود تا بعضی کارها را خودشان مدیریت و اجرا کنند. به گفته آن‌ها وقتی جوان‌ها را مهم‌بشماریم و به آن‌ها اعتماد کنیم، خیلی بهتر از پس‌کارها برخواهند آمد و خودشان علاقه پیدا می‌کنند که مسئولیت‌های بیشتری را بپذیرند.



با خاطرات کودکی تا بزرگسالی یکی از ساکنان محله شهید بسکابادی

آماده برای کار در کنار آقای آماده



محله‌گردی

ایستگاه اول

نیکو عقیده | علی‌رضا بسکابادی تقریباً زندگی‌اش را در یک خیابان گذرانده است؛ خیابانی که مشابه فامیلی او است. ۴۸ سال پیش، وقتی کودک بود، همراه خانواده‌اش از روستای شهرآمد در خیابان شهید بسکابادی ساکن شد؛ همان جایی که دواج کرد، بچه‌هایش را بزرگ کرد و هنوز هم در همین خیابان زندگی می‌کند. جوشکاری را از پدرش یاد گرفت و حالا هم با همان مهارت، روزگار می‌گذراند.

اما او فقط یک جوشکار ساده نیست. دلش برای محله‌اش می‌تپد، عضو هیئت امنای مسجد حضرت زهرا (س) است و چهره‌ای آشنا برای همه اهالی. حالا که از گذشته‌اش می‌گوید، می‌شود در خاطراتش را در تک‌تک کوچه‌های محله‌اش دید.



مسجد جوادالائمه (ع)
قدیمی‌ترین مسجد خیابان شهید بسکابادی است. ساختش سال ۶۱ به پایان رسید. آن موقع من هنوز بچه بودم و فقط چهار دیواری ساده‌ای از مسجد بالا رفته بود. اما با همین وضعیت هم اهالی برای عزاداری در آن دور هم جمع می‌شدند.

نوجوان که بودم، در یک کارخانه پلاستیک‌سازی کوچک در خیابان شهید بسکابادی ۲۲، متعلق به آقای آماده، کار می‌کردم. شب‌ها چند ساعتی سرکار بودم و صبح‌ها می‌رفتم مدرسه. در این کارخانه باضایعات پلاستیک، دبه‌های بیست لیتری و توپ‌های پلاستیکی درست می‌کردیم. حالا اینجا جوشکاری شده است.



ایستگاه دوم

ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

انتهای این خیابان پایانه اتوبوس‌رانی است؛ پایانه‌ای که راه‌اندازی‌اش حاصل سال‌ها پیگیری و بحث در جلسات شورای اجتماعی محله بود. پایانه بعد از کلی تلاش، بالاخره شش سال پیش راه افتاد و از آن زمان، رفت و آمد برای اهالی خیلی راحت‌تر شده است.



ایستگاه پنجم

در انتهای خیابان شهید بسکابادی، هنرستان حاج مهدی و حاج هادی چیتی زاده قرار دارد؛ مدرسه‌ای که قبلاً با نام راهنمایی ۱۲ فروردین شناخته می‌شد و پسر من هم مدتی دانش‌آموز همین مدرسه بود.



شهید رجبعلی بسکابادی هم بازی دوران کودکی‌ام بود. دوسه سالی از من بزرگ‌تر بود، اما خیلی با هم صمیمی بودیم. هر روز بعد از مدرسه، با بچه‌های محل در زمین‌های خالی اطراف همین جافوتبال بازی می‌کردیم. وقتی شهید شد، همه محله عزادار شد. چند سال بعد، نام خیابان را به یاد او تغییر دادند. پیش از آن، نام این خیابان «شهید طالقانی» بود.

یکی از مساجد فعال محله ما، مسجد حضرت زهرا (س) است که این روزها مشغول توسعه و بازسازی آن هستیم. سال ۱۳۹۰، رجبعلی بسکابادی، پدر شهید بسکابادی، این زمین را برای ساخت مسجد وقف کرد. بعد از آن، ما اهالی محله دست به دست هم دادیم و این مسجد را ساختیم. حالا هم من عضو هیئت امنای همین مسجد هستم.





فعال اجتماعی محله امیرالمؤمنین (ع) از خاطرات نوجوانی اش در زمین های کشاورزی انتهای گلشهر می گوید

جای قلعه ها سبزی کاشتند

صندوق
خاطرات

● ○ کال روح آباد زلال بود

پس از تخریب قلعه ها، کار کشاورزی رونق بیشتری گرفت. زمین مرحوم پدر آقارحیم هم آن سوی کال روح آباد بود، کالی که تا حدود سال ۱۳۷۰ بی پاک و زلال داشته که برای کشاورزی استفاده می شده است، اما به تدریج پر از آشغال و پساب می شود. او تعریف می کند: تا اوایل سال ۱۳۷۰ آب کال تمیز بود و در بالادست با آب پساب نیروگاه بولوار شهید عباس پور مخلوط می شد، اما برای کشاورزی مناسب بود. به تدریج آن کال خاکی و سرسبز پر از آشغال و آبش آلوده شد. وضعیت خیلی نابسامان بود تا اینکه حدود ۱۰ سال

عطایی ارحیم خرم دل بازنشسته شرکت برق و از خیران محله امیرالمؤمنین (ع) است که همیشه دغدغه آبادانی اینجا را داشته است.

آقارحیم به چشم خودش دیده است که چطور در سالیان دور، قلعه های باشکوه خشتی محله تخریب شد و مردم محله در جای خالی آن ها سبزی کاشتند. از سال های دور «کال اقبال شرقی» یادش می آید که به آن «کال روح آباد» می گفتند و آبی زلال داشته، اما به تدریج این رگه آب، بد اقبال می شود و آب زلال جای خودش را به پسابی کدر و بد بومی دهد.

● ○ قلعه های تاریخی از روح آباد تا ابراهیم آباد

آقارحیم از چهار قلعه در محدوده زمین های انتهای گلشهر روایت می کند و می گوید: «قلعه چهار برجی روح آباد، دقیقا انتهای خیابان شهید شفیعی فعلی قرار داشت. آن قلعه را برای مقابله با ترکمن تازی (حمله اقوام ترکمن) اینجا ساخته بودند. در چوبی بزرگی داشت که پشتش، سنگ بزرگی قرار می دادند. حدود سال ۱۳۵۲ خود روح آبادی ها قلعه را خراب و تبدیل به زمین کشاورزی کردند. قلعه ای دیگر هم آن سوی کال بود که به «قلعه محمود ملاحسن» معروف بود و مدتی پس از قلعه روح آباد تخریب شد. قلعه سوم، «قلعه حاج میرزا»، آن سوی کال بود و هنوز بخش هایی از دیواره خشتی آن پابرجاست. بعد از آن ها هم «قلعه ابراهیم آباد» بود که حالا بخشی از آن تبدیل به مرغداری شده است.



پیش، شهرداری، کال را که حالا نامش اقبال شرقی شده است سامان دهی و بستر و دیواره هایش را بتنی کرد. هرچند که باز هم آب جوی آن بسیار آلوده است و به کشف رود می ریزد.

● ○ ساختن پلی برای آرامش مردم

در همه این سال ها قبل از سامان دهی کال، مردم برای عبور از عرض آن مشکل داشتند. آقارحیم می گوید: خاظم هست که یک سال عده ای از زمین داران آمدند و از کشاورزان از جمله پدر مرحومم، پول جمع کردند و چند لوله بزرگ در زمین کار گذاشتند تا آب از آن ها رد شود. روی لوله ها هم بتن ریختند؛ با این حال وقتی آب زیاد می شد یا سیلاب اتفاق می افتاد، آن لوله ها جوابگو نبود و آب از بالای پل دست ساز عبور می کرد. مردم در آن مدت گرفتار بودند و امکان رد شدن از عرض کال را نداشتند. حتی لوله های قدیمی نصب شده هم نشست کرده و خیلی پایین رفته بود و چندین بار هم لای روبی شد؛ ولی دیگر عملا از آن ها استفاده نمی شد. آقارحیم به برادرش درباره مشکل مردم برای عبور از کال می گوید و او هم ۵ میلیون تومان می دهد. با آن پول، چندین لوله بزرگ بتنی روی لوله های قدیمی قرار می دهند و با دو بونکر بتن روی آن، پل عبوری را بازسازی می کنند. از آن زمان تا بازسازی کال از سوی شهرداری، دیگر مردم محله امیرالمؤمنین (ع) مشکلی برای عبور از عرض کال نداشتند.

نوجوان محله شهیدرستمی همراه گروه سرود محلی شان در حرم مطهر امام رضا (ع) اجرا کردند

نغمه سرایی در بارگاه ملکوتی

امید محله

تاجی اپار ساقدرت، نوجوان دوازده ساله محله شهیدرستمی، چهار سال پیش به گروه سرود عشاق المهدی (ع) پیوست و حالا یکی از اعضای اصلی و تک خوان این گروه هنری است. علاقه و استعداد او در زمینه سرود سبب شد به مداحی و ذکر اهل بیت (ع) نیز علاقه مند شود.

او در حال حاضر، عضو گروه نغمه سرایان حرم مطهر است و آرزو دارد که بتواند در این مسیر، به موفقیت های بیشتری دست یابد و همچنان توفیق مداحی برای اهل بیت (ع) را داشته باشد.

● ○ آشنایی ات با گروه سرود از کجا و به چه شکلی بود؟

چند سال پیش آقای کریمی، مربی گروه سرود، برای استعدادیابی به مدرسه ما آمده بودند من تست صدا دادم و خوشبختانه قبول شدم. از همان زمان به عضویت گروه عشاق المهدی (ع) درآمدم.

● ○ در این چند سال، چه تجربه هایی در گروه سرود کسب کرده ای؟

تجربه من با این گروه سرود، بسیار پر بار و شیرین بود. مادر مراسم مختلفی شرکت کردیم. در شهرستان ها اجرا داشتیم و همه این ها هم باعث کسب تجربه بود و هم لذت بخش و به یاد ماندنی.

● ○ چطور بین فعالیت های گروه سرود و درس هایت تعادل برقرار می کنی؟

اولویت من همیشه درس خواندن است و بعد از آن به فعالیت های گروه سرود و مداحی می پردازم. نه فقط من، بلکه همه اعضای گروه سرود عشاق المهدی (ع) از لحاظ درسی در سطح بسیار خوبی هستند؛ چون درس خواندن را دوست داریم و از مدرسه رفتن لذت می بریم.

● ○ هدف و آرزویت برای آینده چیست؟

در زمینه مداحی پیشرفت کنم تا در آینده به عنوان یک مداح خوب شناخته شوم. دوست دارم در حوزه سرود هم به رشد بیشتری برسم و در اجراهای بزرگ تری شرکت کنم. برای انتخاب رشته هنوز تصمیم قطعی نگرفته ام و در حال فکر و مشورت هستم، اما قطعاً به ادامه تحصیل فکر می کنم و رسیدن به درجات بالای علمی، آرزویم است.

● ○ فکر می کنی چگونه می توانی در محله تأثیرگذار باشی؟

می توانم از طریق فعالیت های فرهنگی و کمک به بچه های نیازمند در محله مان تأثیرگذار باشم. چه از نظر مالی و چه از نظر روحی. همچنین دوست دارم در آینده اگر به جایگاه خوبی رسیدم، برای بهبود شرایط محله ام تلاش کنم تا هم محلی ها از فرصت های بیشتری برخوردار شوند.

● ○ گروهتان را چطور معرفی می کنی؟

مجموعه عشاق المهدی (ع) فقط یک گروه سرود نیست؛ بلکه کلاس های اخلاقی و معرفتی والته اردوهای زیارتی و سیاحتی هم هر ساله برای دانش آموزان تدارک می بیند. اعضای گروه یک تیم ورزشی هم دارند؛ خلاصه که این مجموعه امید ما دانش آموزان و این محله است.

● ○ کدام اجراها پتان برایت خاص و خاطره انگیز بوده است؟

مهم ترین و بهترین اجرایمان در حرم امام رضا (ع) بود که دو سال پیش در روز ولادت ایشان انجام گرفت. بسیاری از اجراهایمان برای ما مهم و خاطره انگیز بوده است. از جمله اجرا در حضور رهبر انقلاب و برنامه

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید اسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائییه، سجادییه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



سهیلایزدانی، مادر محمد جواد غلامی، نماینده کلاس پسرش در انجمن اولیا و مربیان است. او که اینجا آمده است تا بازی بچه‌ها عکس و فیلم بگیرد و در کانال کلاس بگذارد، می‌گوید: بچه‌های این مدرسه، نه در محله و نه در مدرسه‌شان، فضای کافی برای ورزش و بازی ندارند و این برنامه‌ها اگر حتی هفته‌ای یک بار برگزار شود، در روحیه‌شان خیلی مؤثر است.

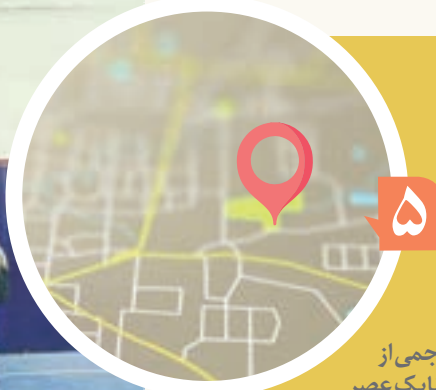


امیرعلی آخری، شایان یوسفی، علی عالمی، محمدعلی نبی‌زاده، مهران علیزاده، تیمی از کلاس چهارمی‌ها هستند که در رقابت با دیگران بیشترین امتیاز را کسب کردند و اول شدند. شایان با خوشحالی می‌گوید کلاس پنجمی‌ها را شکست داده‌اند.

سالن ورزشی حافظ محله ثامن، میزبان مسابقات ورزشی و فکری ویژه نوجوانان گلشهری بود

محله‌ای شاد برای نوجوانان

عطایی هفته گذشته حدود سیصد دانش‌آموز کلاس چهارمی و پنجمی از دبستان هدایت محله ثامن در سالن ورزشی حافظ جمع شدند تا یک عصر بهاری شاد داشته باشند. این طرح مردمی با عنوان «نوجوان شاد، محله شاد، نه به اعتیاد» با ابتکار چند تن از فعالان اجتماعی محله شهید آوینی اجرایی شده است و خانواده‌ها هم در تأمین هزینه‌ها مشارکت داشته‌اند. معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵ نیز جایزه‌ها را تأمین کرد. هدف از اجرای این برنامه، آموزش نکات پیشگیری از اعتیاد به نوجوانان همراه با بازی و در فضایی پرنشاط بود.



امیرحسین برومندفر، عضو شورای اجتماعی محله شهید آوینی، طراح این برنامه است. در برنامه امروز محمدامین حسن‌زاده و امیرحسین بجستان‌زاده، از پایگاه بسیج شهید بهشتی محله ثامن و فاطمه کامران و زهرا شیرمحمدی، دبیر ورزشی و معاون پرورشی دبیرستان هدایت او را همراهی می‌کنند. برومندفر می‌گوید: ما اینجا به بچه‌ها تمرین فعالیت گروهی سالم را آموزش می‌دهیم. مهم این است که وقتشان را در بوستان و کلوب‌های بازی هدر ندهند.



عکس: محمد عطایی / شهرآرا

شرکت‌کنندگان در ۶ مسابقه ورزشی و فکری مثل پینالتی یا ادا بازی شرکت کردند و در مجموع به چهل نفر که مقام اول تا سوم را کسب کردند، جایزه تعلق گرفت.